



۵۴

در آرایشگاه قیچی طلایی در محله عباس آباد به روی نیازمندان باز است

مهمان ما باش

عکس: حدیث فیزی/شهرآرا

امیدهای محله وحید از اجرای کسب رتبه نخست کشور در رقابت پژوهش سراهای دانش آموزی می گویند

۴۸ ساعت فرصت تا موفقیت

۶



۲

شهروندان از وضعیت نامناسب خیابان طبرسی شمالی گلایه مندند
سرعت گیرهای کم کیفیت پرهزینه

۷

خدمات رایگان دندان پزشکی در مسجد محله تلگرد ارائه شد
درمانی برای دردهای پرهزینه

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.



تجربه ای به یادماندنی برای نوجوانان

مسجد امیرالمؤمنین (ع) در محله مهرگان، از فرصت تعطیلات نوروز امسال، برای ایجاد انس میان نوجوانان محله و افزایش معنویت در آنان استفاده کرد. این مسجد با انتشار فراخوان از نوجوانانی که مایل بودند شب هنگام، به صورت دست جمعی و با حضور هم سالان خود از لذت زیارت امام مهربانی ها بهره مند شوند، ثبت نام کرد و با کرایه کردن اتوبوس، ثبت نام شده ها را به زیارت برد.



رمضانی بمانیم

شهادت حفظ دستاورد های ماه مبارک رمضان، پهن کردن سفره های ساده ای که در این ماه، رایج شده بود و نیز حفظ روابط دوستانه و سازنده میان افراد، از اهداف پویایی با عنوان «رمضانی بمانیم» است. پوییش یاد شده که به دعوت حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد نظافت، مدیر مدرسه علمیه حضرت مهدی (عج) در محله خیرآباد، آغاز شده. مبتنی بر آیات قرآن و روایات است و در آن، به روزه داری در پنجشنبه های اول و آخر ماه و چهارشنبه و وسط ماه قمری توصیه شده است. با اسکن کردن این کد می توانید در جریان دیگر جزئیات این پوییش قرار بگیرید.

«مشهد مهربان» در محله رسالت

پوییش «مشهد مهربان» در محله رسالت آغاز شد. در این پوییش که با کمک مساجد محله در حال اجراست و تادهه کرامت ادامه دارد، ترویج فرهنگ همدلی و بخشش میان اهالی محله، به عنوان اصلی ترین هدف دنبال می شود. جلب حمایت مالی خرد مردم و زمینه سازی برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد مثل دیه تصادفات، مهریه و ورشکستگی، هدف ثانویه این پوییش است. مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در طبرسی جنوبی ۶۲ یکی از این مساجد است که نمازگزاران آن، پای کار آمدند.



نماز وحدت آفرین

فعالان تعدادی از مساجد، شورای اجتماعی، تشکل های فرهنگی، گروه های جهادی، بسیج ناحیه یک میثم و هیئت های مذهبی طبرسی شمالی تصمیم گرفتند به جای برگزاری نماز عید فطر به صورت مستقل، بوستان شقایق را به برگزاری یکپارچه نمازی باشکوه اختصاص دهند. کلانتری طبرسی شمالی برای برقراری نظم و امنیت و شهرداری منطقه ۳ نیز با فرستادن پاکبانان خود برای شست و شوی بوستان و میزبانی شایسته، پای کار آمدند.



با حمایت جمعی از خیران و مشارکت پایگاه بسیج فدک صورت گرفت کمک به بهبود تغذیه نیازمندان سیسی آباد

شهادت هفته پیش با حمایت جمعی از خیران و مشارکت پایگاه بسیج فدک در مسجد صاحب الزمان (عج)، هزینه خرید گوسفند قربانی، تأمین و گوشت آن میان تعدادی از خانواده های نیازمند محله سیسی آباد توزیع شد. این حرکت خداپسندانه با هدف بهبود شرایط تغذیه ای این خانواده ها و جلوگیری از ابتلای فرزندان شان به سوء تغذیه انجام شد و طی آن، چهارده خانواده کم برخوردار، بسته های گوشت تازه دریافت کردند.



سالن های ورزشی در اختیار زائران نوروزی

سالن های ورزشی شهرداری منطقه ۳ در ایام نوروز برای اسکان زائران تجهیز شد. سالن یاس با ظرفیت ششصد نفر، سالن رسالت با ظرفیت ششصد نفر، سالن شهید ناصری با ظرفیت چهارصد نفر و همچنین سالن بهمن با ظرفیت چهارصد نفر از ۲۵ اسفند تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ به زائران نوروزی در منطقه ۳ خدمات ارائه کردند.

استقبال متفاوت در راه آهن

با همکاری شهرداری منطقه ۳ و سایر دستگاه های خدمت رسان، ایستگاه استقبال از زائران نوروزی مقابل راه آهن مشهد برپا شد. در این برنامه که از ۲۵ اسفند تا ۱۵ فروردین ادامه داشت، زائران خدماتی از جمله غربالگری و فشار خون، راهنمای اسکان، بازی و سرگرمی راز شهرداری و دانشگاه علوم پزشکی، هلال احمر و... دریافت کردند.

مقدم زائران گل باران شد

منطقه ۳ شهرداری به واسطه هم جواری با حرم مطهر و دارا بودن ورودی زائران همچون جاده کلات و راه آهن، برنامه های مختلفی از جمله رنگ آمیزی جوی ها، کشت گل های فصلی و... برای زیباسازی منطقه اجرا کرده است. یکی از طرح های شهرداری که مورد استقبال زائران قرار گرفته، نصب ۴۱ فلاورباکس در نقاط مختلف منطقه ۳ بوده است.





شهروندان از وضعیت نامناسب
خیابان طبرسی شمالی گلایه مندند

سرعت‌گیرهای کم‌کیفیت پرهزینه



فیضی حدود دو سال قبل بود که رئیس پلیس راهور مشهد از خیابان‌های پرخطر یا به اصلاح خودشان از خیابان‌های مرگ نام برد. در بین ۶ خیابانی که سرهنگ حسن علی امامی از آن‌ها یاد کرد، خیابان طبرسی شمالی بعد از جاده سیمان، دومین خیابانی بود که بیشترین فوتی‌ها را در سال ۱۴۰۰ داشت. شهرداری هم برای کاهش حوادث، بخش‌های پرخطر این خیابان را شناسایی و در پی آن سرعت‌گیرهایی را به صورت سنگ‌فرش نصب کرد. پس از گذشت یک سال و چند ماه، شهروندان گلایه‌هایی را درباره کیفیت مصالح به کار رفته با شهرآرامحله در میان گذاشتند.

سرعت‌گیرهای خسارت‌ساز

سید علی حسینی یکی از شهروندان دغدغه‌مند خیابان طبرسی شمالی است. او چند تصویر را برایمان ارسال کرده است. تصاویر شامل سرعت‌گیرهایی است که اداره حمل و نقل و عمران شهرداری منطقه ۴ حدود دو سال قبل آن‌ها را در نقاط مختلف طبرسی شمالی از جمله طبرسی شمالی ۲۶، طبرسی شمالی ۱۱، طبرسی شمالی ۲۸ و ... نصب کرده است.

او می‌گوید: نمی‌دانیم طرح سرعت‌گیرهای سنگ چین پرهزینه و گران از کجا سر در آورده است، اما طی کمتر از دو سال به دلایل مختلف از جمله کیفیت نامطلوب مصالح و نظارت نشدن بر اجرای آن، تخریب شد و اکنون به سیستم جلوگیری خودروهای عبوری شهروندان خسارت وارد می‌کند.

آب‌گرفتنی بعد از پروژه

او ادامه می‌دهد: همان موقع، نصب هر کدام از این سرعت‌گیرها حدود بیست روز زمان برد و ترافیک کلافه‌کننده‌ای در این مسیر به وجود آمده بود. شهروندان هر کدام که متوجه علت این بار ترافیکی می‌شدند، تعجب می‌کردند. بعد از نصب این سرعت‌گیرها با اولین بارانی که آمد، شاهد آب‌گرفتنی پشت سرعت‌گیرها بودیم که با عبور خودروها آب به سمت پیاده‌رو خیابان‌ها می‌پاشید.

جای سرعت‌گیرها را به دوربین‌ها بدهید

مجتبی ملانژاد یکی از اهالی محله رده است. او به طور کلی مخالف نصب سرعت‌گیر در خیابان طبرسی شمالی است و می‌گوید: شهروندان مدام نصب سرعت‌گیر را از شهرداری خواستارند و شهرداری هم برای کسب رضایت آن‌ها سرعت‌گیرهایی نصب می‌کند اما آیا راهکار و بهتری برای کاهش حوادث وجود ندارد؟ ما ادعا می‌کنیم که رو به پیشرفت هستیم و امکانات هم داریم. چرا از دوربین‌های نظارتی استفاده نمی‌شود؟ بارها پای درددل کارکنان آتش‌نشانی نشستیم؛ آن‌ها مدام از سرعت‌گیرهای بی‌جا و بی‌مورد گلایه کرده‌اند.

نصب سرعت‌گیر با فاصله کم

این شهروند در ادامه به خیابان پنجنین اشاره می‌کند و می‌گوید: در حوالی پنجنین ۴۷، ماه‌ها قبل، پایه‌ای برای نصب دوربین‌های نظارتی در نظر گرفتند اما خبری از نصب و راه‌اندازی آن نبود؛ تا اینکه چندی قبل، دو سرعت‌گیر با فاصله بسیار کم احداث کردند، درست در نقطه‌ای از خیابان که دو طرف خیابان مسکونی نیست! مشخص است که سرعت‌گیرها غیرکارشناسی نصب شده است. مطالبات شهروندان را با رئیس اداره عمران حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۴ در میان گذاشتیم و احمد وفاکیش قول بررسی و رفع مشکل را به ما داد. ما نیز جوابیه و برنامه‌های این اداره را هفته آینده در همین صفحه منتشر خواهیم کرد.

لبخند زدن در بهار نو

جشنواره فرهنگی ورزشی «بهار نو، لبخند نو»، هم‌زمان با عید سعید فطر و روز طبیعت در دو بوستان ارم و بسیج برگزار شد و تا عصر ۱۳ فروردین میزبان شهروندان و زائران نوروزی بود. این رویداد شامل مسابقات ورزشی، بازی‌های بومی و محلی، موسیقی زنده و برنامه‌های شاد بود و فضایی پر نشاط و خانوادگی فراهم کرد.



رنگی شدن بوستان‌های منطقه

اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۴ در اقدامی، همه‌لوازم بازی کودکان و سایر لوازم بوستان‌های منطقه را رنگ آمیزی و نو نوآر کرد. در این طرح، بیش از ۳۴۰ عمودرشنایی، ۹۰۰ سطل زباله، ۱۲۰۰ نیمکت و ۲۲۰ دستگاه لوازم بدن‌سازی رنگ آمیزی شده است. همچنین ۶۲ مجموعه بازی کودکان پلی‌اتیلن و ... رنگ آمیزی و بهسازی شدند.

پنجنین، میزبان مسابقات والیبال ساحلی

مسابقات والیبال ساحلی با حضور بیش از ۷۲ تیم در مجموعه ساحلی شهید یاسین رحیمی پور در خیابان پنجنین ۴۷ برگزار می‌شود. این رقابت هادرسه رده سنی نوجوانان، جوانان و رده سنی آزاد برگزار می‌شود و فرصتی است تا ورزشکاران این رشته بتوانند مهارت‌های خود را در فضایی رقابتی و دوستانه به نمایش بگذارند.

به همت گروه جهادی شهید زارعی غذای گرم توزیع شد

همدلانه با مادران باردار نیازمند

شهامت هفته گذشته جهادگران پایگاه شهید زارعی در مسجد چهارده معصوم^(ع)، طعم شیرین همدلی را به مادران باردار نیازمند و خانواده‌های کم‌برخوردار شناسایی شده در محله رده، چشاندند.

آن‌ها در اقدامی خداپسندانه، اقدام به توزیع بسته‌های شکلات به همراه غذای گرم نذری در میان افراد یاد شده کردند تا در این شرایط دشوار معیشتی، به بهبود تغذیه نیازمندان کمکی کرده باشند. این پایگاه جهادی ابتدای فروردین ماه نیز با تهیه بسته‌های مقوی به سراغ مادران باردار رفت و به آنان چشم‌روشنی داد و عید نوروز را تبریک گفت.



در آرایشگاه قیچی طلایی در محله عباس آباد به روی نیازمندان باز است

مهمان ما باش



فرزانه شهامت اکرم های پاک سازی پوست، مرطوب کننده، حالت دهنده های مو، سشوار، اتو، دکلره و... نه در و دیوار آرایشگاه با جاهای دیگر فرق دارد و نه مواد و لوازمی که روی میز و قفسه ها چیده شده است. آنچه «قیچی طلایی» در محله عباس آباد را از هم صنفانش متمایز می کند، جمله ای است که پشت شیشه مغازه درج شده است: اینکه اصلاح مو در این آرایشگاه برای نیازمندان، رایگان و در آن به روی طرد شده های اجتماعی باز است.

جای خالی پدر

حال آدم های تنگ دست و سختی کشیده را کسی می فهمد که خودش تلخی سختی را چشیده باشد؛ کسی مثل محمد هنرور نژاد، جوان بیست و چهار ساله ای که هنوز رنگ دنیا را ندیده، از نعمت پدر محروم شد؛ از بچگی ام همین قدر بگویم که مادرم من را باردار بود که پدرم فوت کرد. من دنیا را با یتیمی شروع کردم و نفهمیدم داشتن بابا چه حس و حالی دارد. کنار بابا بزرگم بزرگ شدم، در یک زندگی روستایی که با صفا بود؛ در کریم آباد، جایی حوالی مارشک، این ها را می گوید و به مرد فیروزه ای پوشی که با موهای بلند و نامرتب وارد آرایشگاه شده است، خوشامد می گوید. پاکبان، دغدغه نرخ اصلاح موی سرش را دارد و محمد بدون گفتن مبلغ، بالبخند و گویش مشهدی صرفاً از او می خواهد که موهایش را در روشویی گوشه آرایشگاه بشوید و آماده اصلاح شود. سپس با گفتن «موهای آقا باشما» از یکی از شاگردهایش، می خواهد کار مشتری را تقبل کند. چند لحظه بعد، صدای ویزو ویز ماشین اصلاح بلند می شود. این

نخستین فرصت امروز برای رقم خوردن کاری خیر در آرایشگاه قیچی طلایی است.

مشق بزرگ سالی در کودکی

آغاز آشنایی اش با حرفه آرایشگری به سال های دور برمی گردد، به وقتی که بیشتر هم سن و سال هایش مشغول بازی بودند؛ دوازده ساله بودم که شروع کردم به یاد گرفتن. استادم که در دو سال، آرایشگری سنتی و نکات اولیه کار را یادم داد، سخت گیر بود. مزرعه داشت و گاهگداری از من که شاگرد آرایشگاهش بودم، در زمین های کشاورزی اش هم کاری کشید. هنوز وقتی به مزارع سیس آباد می روم، یاد خوبی ها و بدی های آن روزها می افتم. اگر نیم ساعت دیر می رسیدم سرکار، نیم ساعت من را پشت در مغازه نگه می داشت. کاری هم به زمستان و تابستانش نداشت. این تجربه ها باعث شده است که به شاگردهایم سخت بگیرم و با آن ها رفیق باشم. مکث می کند و ادامه می دهد: می شود از کلمه شاگرد استفاده

نکنم؟! رابطه ما که استاد و شاگردی نیست. هنرجویا همکار؛ بله، این ها بهتر است.

دانش آموزان هم درد

خوبی مدرسه شبانه روزی که محمد پس از پایان دوره دوم ابتدایی به آنجا فرستاده شد، این بود که دانش آموزانش یتیم و هم درد بودند. شاید نیک اندیشی امروز او برای اصلاح رایگان نیازمندان، ثمره نیت خیری است که مرحوم عبدا... رضوی به عنوان واقف مدرسه، در دل داشته است. کارآفرین امروز محله عباس آباد از واقفی که هرگز او را ندیده است با احترام و قدرشناسی یاد می کند؛ همچنین از حرفه آموزی های جانبی در این مدرسه که از او، فردی کارآموده ساخت؛ پیرایش یکی از دوره هایی بود که درد بیبرستانمان برگزاری می شد. من آنجا موهای هم کلاسی ها، معلمان، کارکنان مدرسه و باغبان های فضای سبز بزرگ دبیرستان را اصلاح می کردم. دیگر دستم حسابی راه افتاده بود.»





تکثیر قیچی های طلایی

علی سارانی، متولد ۱۳۸۶، همکار

پرسیدم: «شاگرد نمی خواهید؟» جواب داد: «چرا که نه! آن روز رفته بودم از سر کوجه میوه بخرم که اتفاقی چشمم افتاد به آرایشگاه قیچی طلایی. به دلتم افتاد از جوانی که بعدا فهمیدم اسمش محمد است، پیرسم شاگرد می خواهد یا نه. ده روزی بود که از گرگان به مشهد آمده بودم و بیکار می گشتم برای خودم. سخت می گذشت چون به بیکاری عادت نداشتم. از هشت سالگی تا الان که هفده ساله ام، همیشه کار کرده ام؛ کشاورزی، گچ کاری، کار در رستوران و خلاصه هر کاری که از دستم برمی آمد. از روزی که محمد گفت «چرا که نه، تا الان می شود هشت ماه و ماه هشت ماه است که دوست و همکار شده ایم. زندگی مان طور عجیبی شبیه هم است. برای همین، حرف هم را خوب می فهمیم. من هم مثل او پدرم را به یاد ندارم. نوزاد بودم که فوت کرد و من با مادربزرگم بزرگ شدم. مثل محمد از چگی، درس خواندم و کار کردم. مادربزرگ که از دنیا رفت، آدم مشهود و خدا، شغل آرایشگری را سر راهم گذاشت. محمد دو هفته اول، می گفت خوب نگاه کن تا یاد بگیری. بعد قیچی و ماشین اصلاح را داد دستم. ایراد های کارم را می گرفت، بدون کج خلقی، سه ماهی هست که می توانم بدون کمکش، کار مشتری را راه ببندم. می خواهم اگر روزی آرایشگاه مستقلی راه ببندم، بشوم یکی مثل محمد و با همه خوب تاکنم و فرقی نکنم مشتری باشد یا شاگرد. پولدار باشد یا فقیر. یک برگه هم می چسبانم پشت شیشه مغازه ام و روی آن می نویسم: اصلاح رایگان برای نیازمندان.»



فرصت های طلایی

اوقات فراغت اگر به معنای وقت گذرانی باشد، صاحب آرایشگاه قیچی طلایی، هیچ گاه، وقت فراغتی برای تلف کردن نداشته است. آخر هفته ها که دبیرستان تعطیل بود و نیز سه ماه تابستان، برای محمد فرصتی طلایی بود تا با تمرین مدل های به روز، به تجربه کاری اش اضافه کند. سال ۹۸ وقتی دیپلمش را گرفت، سر جمع دسترنجی که در این سال هاذره ذره روی هم گذاشته بود، شده بود ۲۱ میلیون تومان. او از حرفه ای بودن چیزی کم نداشت و وقتش رسیده بود تا با این سرمایه، کسب و کارش را در همین چار دیواری استیجاری، برپا کند؛ عباس آباد را انتخاب کردم چون دوسالی رادریکی از آرایشگاه ها پیش کار کرده بودم و اهالی من را می شناختند. شروع کار، ساده نبود. کرایه مغازه ام بود برچی ۵۰ هزار تومان در حالی که اصلاح موی سر، ۱۵ هزار تومان بود. برای جذب مشتری، می گرفتم ۱۰ هزار تومان، یعنی باید پنجاه مشتری برایم می آمد تا بتوانم کرایه مغازه را جور کنم. سعی کردم هزینه هایم حداقل باشد، چون نمی خواستم کم بیاورم و از کسی کمک بگیرم. نگاهی به دوروبر مغازه اش می اندازد و می گوید: اوایل اینجا این قدر لوکس نبود. علقم می گفت اهل بلند پروازی هایی که بعضی جوان ها دارند، نباشم. این روشویی، نورپردازی ها و وسایل را نداشتم. کم کم از کار پول به دست می آوردم و خرج کار می کردم.

کار آفرینی با قیچی طلایی

در این پنج سال کار مداوم، پیشه کردن صبر و قناعت با چاشنی یادگیری مدل های جدید و استفاده درست از فضای مجازی، مشتریان قیچی طلایی را به روزانه سی تا پنجاه نفر و تعداد دنبال کننده های صفحه کاری اش در اینستاگرام را به بیش از ۸ هزار نفر رسانده است؛ با پست هایی که بازدید برخی از آن ها میلیونی است.

به این موفقیت های کاری باید حضور چهار همکار ثابت در آرایشگاه را هم اضافه کرد؛ کسانی که به قول محمد، صفر کیلومتر بودند و همه شان اینجا کار بلد شده اند. این ها البته، سوای آن چند نفری هستند که بعد از یادگیری فوت و فن آرایشگری، مستقل شده اند و حالا هر کدام در گوشه ای از شهر و استان، مغازه آرایشگری دارند.

آن طور که شهروند محله عباس آباد می گوید، شلوغ شدن دنیای مجازی و واقعی اش از لایک و فالوور و مشتری های متعدد، باعث نشد گذشته اش را فراموش کند و به آدم های اطرافش بی تفاوت شود. این توجه، جرقه کار خیری بود که از هشت ماه پیش، آن را اجرایی کرد.

شروع اتفاقات خوب

روزانه به صورت میانگین پنج نیازمند به این آرایشگاه در محله عباس آباد می آیند و از خدمت اصلاح رایگان استفاده می کنند. محمد می گوید از مشتری هیچ سوالی که دال بر کنجکاوی در زندگی شخصی و وضعیت مالی او باشد، پرسیده نمی شود و صرف اینکه نخواهد هزینه ای پرداخت کند، برای او و همکارانش کافی است. کارتن خواب ها، ضایعات جمع کن ها و دیگرانی که به واسطه سرو وضعشان، از ورود به بسیاری از واحدهای صنعتی، منع می شوند نیز در این آرایشگاه باروی باز و البته، رعایت الزامات بهداشتی، پذیرفته می شوند.

محمد، باز خورد سایر مشتریان نسبت به حضور طرد شده های اجتماعی در آرایشگاه را مثبت، بیان می کند و ادامه می دهد: سوای انرژی ای که از اهالی می گیرم، لطف مضاعفی که خدا در حقم می کند، مطمئنم کرده است به درست بودن این حرکت. از وقتی که این آگهی را چسباندم، آن قدر مشتری هایم زیاد شده اند که یک صندوق دیگر را هم برای اصلاح مواافه کرده ام.

رایگان برای نیازمندان

«بارها پیش می آمد که مشتری می آمد، نرخ اصلاح مورا می پرسید و راهش را می کشید و می رفت. گاهی می دیدم پسر بچه هایی را که دوست داشتند بیایند داخل و موهایشان را اصلاح کنند اما پدر یا مادرشان هر جور بود سعی می کردند بچه را منصرف کنند. از سر و وضع و حالتشان می فهمیدم که دردشان نداری است و آن قدر خرج واجب دارند که کوتاه کردن

یکی از هزاران تجربه موفق

محمود خدیوی، مدیر باشگاه مانا* شهرداری مشهد

می خواهم به ماجرای محمد، سوای کار خیر و ارزشمندی که برای نیازمندان انجام می دهد، نگاه کنم. اگر آدم ها را بر اساس نقش اجتماعی شان، به منفی یک، صفر و مثبت یک تقسیم کنیم، محمد جزو مثبت



یکی هاست. او یک کارآفرین جوان است که خود از طریق نظام استاد شاگردی رشد کرده و امروز با آموزش مهارتش به نوجوان ها و جوان های دیگر، دارد باری را از روی دوش جامعه برمی دارد و افرادی را توانمند می کند. محمد را مقایسه کنید با انبوه دانش آموزان بیکار و بی مهارتی که خروجی عملی نظام آموزشی ما هستند؛ نظامی که از سال ۱۳۷۲ با حذف درس طرح کاد، عملتیشه به ریشه نظام استاد شاگردی زد و در سال های بعد با منع به کارگیری نیروی انسانی کمتر از هجده سال در مشاغل، این رویه غلط تشدید شد؛ بدون اینکه عرصه ای برای عرضه غرضه نوجوانان، تدبیر کند. هر چند نوجوان امروز میدانی واقعی و ساختارمند برای شناخت علایق، ارائه توانمندی ها، آزمون و خطا و رشد ندارد، در همین شهر صاحبان هزاران تجربه موفق مثل محمد هستند که با حرکت در مسیری متفاوت از رویه رایج، علاقه شان را پیدا کرده، اهدافشان را فهمیده، مسیر رسیدن به آن ها را به درستی چیده و به خروجی های خوب رسیده اند.

*مانا مخفف «مهارت های اجتماعی نوجوان امروز»

عباس آباد و نه جای دیگر

نه اینکه نتواند هنر و تجربه اش را به محله ای اعیان نشین ببرد اما حال صاحب آرایشگاه قیچی طلایی، اینجا خوب است. می گوید: من با اهالی این محله و حال و هوایشان صفا می کنم. بروم جای دیگر که چه؟ تمام چیزهایی که می خواهم اینجا هست؛ اعتبار بین اهالی، مشتری های فراوان و فرصت انجام کار خیر.

«مهمان ما باش!» محمد به پاکبانی که با رضایت، به موهای پیرایش شده اش در آینه نگاه می کند، این را می گوید. مرد با اصرار خود، مبلغی را به دلخواه کارت می کشد و می رود. نرخی که او پرداخت کرده، از دستمزد مصوب آرایشگر کمتر است اما صاحب آرایشگاه بعد از رفتن مشتری می گوید که طوری نیست، چون به لطف خدایی که از کودکی تا امروز هوایش را داشته است، ایمان دارد.

امیدهای محله وحید از ماجرای کسب رتبه نخست کشور در رقابت پژوهش سراهای دانش آموزی می‌گویند

۴۸ ساعت فرصت تا موفقیت



راه تجربه

جواب برای سؤال هایی که در ذهن داشتیم.

● روزهای پر مشغله ای که اشاره کردید، تا کی ادامه داشت؟

نعیما: تا مرداد ماه که با حضور داوران، آزمون عملی مرحله کشوری را هم با موفقیت پشت سر گذاشتیم؛ روز خیلی گرمی که از خاطر نمی رود. بعد از آن در مصاحبه تصویری آنلاین هم توانستیم از کارمان به خوبی دفاع کنیم.

● وضعیت درسی تان چطور است؟

نعیما: نمرات هر دو یمن بین ۱۷ تا ۱۸ است.

● این موفقیت، در آینده ای که برای خودتان تصور کرده اید، چه تأثیری داشت؟

نعیما: تا قبل از این، حداکثر می‌خواستیم یک مهندس یا تکنیسین برق شویم اما الان با اعتماد به نفسی که پیدا کرده ایم و اعتماد اطرافیان به ما که بیشتر از قبل شده است، به گزینه های بالاتری فکر می‌کنیم.

● مردانی: گزینه های علمی پژوهشی به اولویت های آینده مان اضافه شده است. مثل راه اندازی یا کار در یک شرکت دانش بنیان. به موشک و صنایع هوافضا علاقه مند شده ایم و به دنبال راهی برای رفتن به سمت این حوزه هستیم. الان خبرهایی برایمان جالب شده است که شاید قبلاً برایمان به این اندازه مهم نبود؛ مثل برد موشک هایی که ایران در عملیات وعده صادق ۲ استفاده کرد.

● چکیده تجربه تان از این رویداد را با هم سن و سال هایتان در میان بگذارید.

مردانی: هنرستانی و دبیرستانی، فنی و نظری؛ به این خط کشی ها توجه نکنند. همه ما نوجوان ها توان موفقیت را داریم اما تا وارد گود نشویم، ظرفیت هایمان شکوفا نمی شود. حرکت در این مسیر، طرز فکر را عوض می کند و تغییر فکر است که آینده را تغییر می دهد.

نکته انجام دادیم، باعث شد نمونه کارمان در مرحله کشوری، ۱۶۰ متر برد افقی و چهارده ثانیه زمان تا باز شدن چتر در پرتاب عمودی را رکورد بزند.

● با این حساب، بعد از موفقیت در مرحله استانی، باز هم روی بهبود محصولات کار کرده بودید.

نعیما: بله، در حالی که کارآموزی تا بستانه هنرستان شروع شده بود و علاوه بر این هر دو شاغل هم هستیم.

● به چه حرفه ای مشغول هستید؟

مردانی: من در یک نانوائی مشغول به کارم.

نعیما: من هم در کنار پدرم در یک واحد تولید مصنوعات فلزی مثل فرفورژه کار می‌کنم.

● برنامه روزانه تان در آن ایام چطور بود؟

مردانی: خیلی فشرده، ۶ صبح برای کارورزی با اتوبوس راه می‌افتادیم به سمت شرکتی که در بزرگراه پیامبر اعظم (ص) بود. ساعت ۱۴ خارج می‌شدیم به سمت خانه. من ناهار می‌خوردم و ساعت ۱۶ سرکارم حاضر می‌شدم تا ساعت ۲۰. بعد از این همه خستگی، تازه نوبت کارورزی بهبود عملکرد موشک بود و پیدا کردن

شهامت اباپد پای صحبت های ابراهیم نعیمما و امیرمحمد مردانی، امیدهای محله وحید، نشست تا این جمله معروف را باور کرد: «در محرومیت ها استعداد ها شکوفامی شود».

روزی که این دو نوجوان پایه دوازدهم از هنرستان شهید احمد محدث، تصمیم گرفتند در رقابت پژوهش سراهای دانش آموزی، محور «فناوری های حوزه فضایی، حمل و نقل پیشرفته» و گرایش «ساخت و پرتاب موشک آبی» شرکت کنند. کمتر از سه روز به ارائه آثار باقی مانده بود. روایت این ساعت های پرازبی خوابی و تلاش برای ساخت موشکی را که هیچ پیش زمینه ای درباره آن نداشتند، در ادامه می‌خوانید: تلاشی که به افتخار آفرینی برای مشهد و کسب رتبه نخست کشور منجر شد.

● چرا این قدر دیر تصمیم به شرکت در رقابت گرفتید؟

مردانی: اوایل اردیبهشت ۱۴۰۳، از پژوهش سرای ابوریحان به هنرستان ما آمدند و گرایش هایی را که می‌شد در مسابقات شرکت کرد، معرفی کردند اما من و نعیمما جذب قضیه نشدیم. با این حال گروه هایی را که گرایش ساخت موشک آبی را انتخاب کرده بودند و نمونه کارهایشان را در حیاط بزرگ هنرستان آزمایش می‌کردند، هر روز می‌دیدیم. تصمیم من و نعیمما وقتی جدی شد که معلم درس تخصصی مان، آقای کفاش، به ما انگیزه داد و گفت شما هم در آن شرکت کنید. چهارشنبه عصر تصمیم قطعی مان را گرفتیم و شنبه صبح، نمونه اولیه کارمان را در رقابت مرحله نواحی مشهد، شرکت دادیم که خدا را شکر با رکورد ۱۲۰ متر در پرتاب افقی به مرحله استانی راه پیدا کرد.

● گرایش ساخت موشک آبی به رشته تحصیلی تان در هنرستان ارتباط دارد؟ نعیمما: نه، رشته ما الکترونیک است و در حوزه برق.

● پس در این حوزه آموزش دیدید؟

مردانی: آموزشی در کار نبود. اصلاً فرصتی برای این چیزها نبود. صفر تا صد قضیه، از طراحی ظاهر، ساخت لانچر و... ابتکار خودمان بود.

● از فرایند ساخت بگوئید.

مردانی: دوستم نعیمما ساعت ۵ صبح پنجشنبه آمد خانه ما و کارمان را روی پشت بام شروع کردیم. فرصتی برای استراحت نداشتیم و تا شنبه صبح، عملاً خوابی هم در کار نبود. فکر می‌کردیم، اجرا می‌کردیم، عیب یابی می‌کردیم و دوباره اجرا می‌کردیم تا اینکه شنبه صبح، نمونه اولیه آماده شد، بدون اینکه وقتی برای آزمایش آن داشته باشیم. در واقع آزمایش اول، همان مسابقه بود.

● دلیل موفقیتتان را نسبت به گروه های دیگر که فرصت بیشتری داشتند چه می‌دانید؟

مردانی: ما به نکاتی ریز رسیده بودیم که بقیه توجه نکرده بودند. در موشک های آبی که با فشار آب و هوا حرکت می‌کنند، تعداد باله ها، تقارن کاملشان، شرایط مرکز ثقل موشک، زاویه لانچر، حجم بطری و باز شدن چتر در پرتاب عمودی مهم است. ابتکاراتی که برای هر





شهروند محله مهرگان برای کاهش حوادث جاده‌ای، همه تلاش خود را به کار بسته است

کاستن از تلخی‌های یک بی احتیاطی

خانواری در این میان از بین برود، چندین خانواده با مشکل روبه‌رو می‌شود.

● ○ فاجعه در جاده‌ها

او که لحظه به لحظه آمار حوادث جاده‌ای را رصد می‌کند، می‌گوید: در سال گذشته ۲۰ هزار نفر کشته و بیش از ۴۰ هزار نفر مصدوم شدند. امسال هم از ۲۵ اسفند تا این لحظه (۱۵ فروردین) حدود هشتصد و پنجاه نفر کشته و ۹۷ هزار تصادف به ثبت رسیده است. این یک فاجعه است! در جاده‌ها بعضی‌ها عجله دارند که به مقصد برسند و جان خود، مسافران و سایر مردم را به خطر می‌اندازند و متأسفانه بیشتر این افراد هیچ موقع به مقصد نمی‌رسند.

● ○ رعایت چند نکته و یک عمر خوشی

او حرف هایش را با چند توصیه به پایان می‌رساند و می‌گوید: در سفر فقط به مقصد فکر نکنید و با صبر و حوصله و سرعت مطمئنه سفر کنید. از زیبایی‌ها و مناظر بکری که در طول سفر وجود دارد، استفاده کنید. هر ۴۵ تا یک ساعت رانندگی، ۱۰ دقیقه استراحت کنید و قدم بزنید و همیشه ضمن رعایت فاصله طولی با خودروها، چند کیلومتر باقی مانده به مقصد را با احتیاط بیشتری طی کنید؛ زیرا بیشتر حوادث در همین محدوده زمانی رخ می‌دهد.

● ○ تلاش برای کاهش حوادث

او قبل از شروع سفرهای نوروزی، پلاکاردی با عنوان پویش ملی «نه به تصادف»، را با هزینه شخصی خود آماده کرد و پنج کیلو هم شکلات خرید و به سراغ کسبه و مردم رفت و با لبخند و بیان خوش از آن‌ها خواست این روزها بیشتر احتیاط کنند و سالشان را با خوبی و خوشی آغاز کنند. قلندری می‌گوید: همه ما برای کاهش حوادث جاده‌ای مسئول هستیم و باید خودمان به فکر خودمان باشیم. بسیاری از حوادث جاده‌ای به بی‌احتیاطی راننده‌ها برمی‌گردد و حالا برای کاهش این حوادث هرکاری که از دست من شهروند برآید، دریغ نمی‌کنم. همه جان‌ها عزیزند. اگر سرپرست

فیضی احمد قلندری یکی از اهالی قدیمی محله مهرگان است. او ۹ سال است که در این محله سکونت دارد و برای فرهنگ سازی در زمینه‌های مختلف از جمله کاهش مصرف انرژی فعالیت می‌کند. او امسال به پویش ملی «نه به تصادف» پیوست و برای کاهش حوادث جاده‌ای، بین مردم قدم می‌زند و از آن‌ها می‌خواهد نکات راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند تا سالشان با تلخی سپری نشود.

● ○ تبعات جبران ناپذیر

اینکه چه دلیلی باعث شده است قلندری برای کاهش حوادث جاده‌ای پای کار بیاید به ماجراهای تلخی برمی‌گردد که طی آن، عزیزانش را در گذشته از دست داده است. او می‌گوید: دوم دبیرستان که بودم، تعدادی از عزیزان دور و نزدیکم در همین ایام سفرهای نوروزی و... در جاده‌ها تصادف کردند و جان سپردند. چندی قبل هم در یک روز بارانی، راننده‌ای بی‌احتیاطی کرد و به دلیل سرعت غیرمجاز و لغزندگی خیابان، خودرویش به دختر عمویم برخورد کرد و متأسفانه او فوت شد. او رفت و سه فرزند قد و نیم قدش با غم بی‌مادری باقی ماندند و مشکلات دیگری که در زندگی به آن‌ها برخورد خواهد خورد.



خدمات رایگان دندان پزشکی در مسجد محله تلگرد ارائه شد

درمانی برای دردهای پرهزینه



عیدگاه

در حالی که مجموع دریافتی از مراجعان فقط حدود ۶۷ میلیون تومان بود. این دوره با همان شرایط و حمایت مردمی اجرا شد و بیش از دو بیست نفر مراجعه کرده و از خدمات مختلفی که برایشان در نظر گرفته شده است، استفاده کرده‌اند.

● ○ پایگاهی برای رفع نیاز اساسی مردم

این طرح تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی و خدماتی و مسجدهای امام رضا^(ع) واقع در خیابان علامه طباطبایی ۲۲ است. یوسفی بیان می‌کند: رویکرد اصلی این مسجد، حرکت به سوی ایفای نقش‌های اجتماعی و مردمی در کنار فعالیت‌های عبادی است. او اضافه می‌کند: ما نمی‌خواهیم مسجد فقط محل نماز و منبر و روضه و سجده باشد، بلکه باید به عنوان یک پایگاه اجتماعی جایی باشد که به درد زندگی مردم بخورد. در همین راستا به سمت کارهای خیرخواهانه مثل همین طرح ترمیم دندان پزشکی رفته‌ایم. برنامه‌های دیگری هم در این مسجد برگزار شد، مثل «سی شب سی افطار» که نمازگزاران، خیران محلی و عموم مردم در آن مشارکت داشتند.

● ○ دردهای چندماهه

مرتضی طوسی، مسئول قرارگاه جهادی غدیر و یکی از فعالان مسجد جوادالائمه^(ع) محله تلگرد است. او که تاکنون

شاهیان در شرایطی که هزینه‌های درمانی، به ویژه در زمینه دندان پزشکی، برای بسیاری از خانواده‌ها تبدیل به دغدغه‌ای بزرگ شده، یک برنامه جهادی با محوریت مسجد امام رضا^(ع) در محله تلگرد توانسته است مرهمی بر زخم این مشکل باشد.

سومین مرحله از طرح خدمات دندان پزشکی با همکاری قرارگاه جهادی مهرورزان، شورای اجتماعی محله تلگرد و مرکز نیکوکاری احسان الرضا^(ع) از ۵ فروردین آغاز شد و با استقبال چشمگیر مردم، پنجشنبه گذشته به پایان رسید.

● ○ طرحی عمومی با اولویت نیازمندان

این برنامه در ابتدا قرار بود فقط به مدت یک هفته برگزار شود، اما به دلیل تقاضای زیاد اهالی محله، تمدید شد و ۱۰ روز میزبان اهالی محله تلگرد بود. هرچند خدمات ارائه شده برای عموم مردم در دسترس است، اولویت اصلی با خانواده‌های دهک‌های پایین درآمدی، به ویژه دهک‌های ۱ تا ۳ بود. برخی از افراد کم‌برخوردار حتی به رایگان یا با هزینه‌ای بسیار ناچیز از این خدمات بهره‌مند می‌شدند.

محمد یوسفی، رئیس شورای اجتماعی محله تلگرد، می‌گوید: خدمات ارائه شده شامل کشیدن دندان، عصب‌کشی، ترمیم، جرم‌گیری، پرکردن و حتی روکش دندان بود. در دوره قبلی، ۱۰۶ خدمت دندان پزشکی با ارزشی معادل حدود ۷۸۶ میلیون تومان مطابق تعرفه درمانگاهی ارائه شد.

در دو مرحله برنامه درمان دندان پزشکی حضور داشته است، اجرای این برنامه و استمرار آن را ضروری می‌داند و می‌گوید: مساجد سطح محله، اساسی‌ترین محله‌ها را که برای هزینه درمان دندان‌هایشان مشکل مالی داشتند، ثبت می‌کردند. بعضی از افراد ماه‌ها از درد دندان رنج کشیده بودند اما به دلیل پرهزینه بودن آن از خیر درمان گذشته بودند و وقتی خبر اجرای این طرح را شنیدند، خودشان را رساندند تا با بهره‌گیری از طرح، به دردهای خود پایان دهند.

● ○ قدردانی‌های از ته دل

استقبال و برخورد مردم با خادمان و پزشکان این طرح از بخش‌های به یادماندنی و شیرین بوده است. طوسی می‌گوید: افرادی که درمان شدند، چون طعم تلخ درد دندان را چشیده بودند، بعد از اتمام کارشان، با تمام وجود از کادر درمان تشکر و قدردانی می‌کردند. دعای آن‌ها در حق دندان پزشکان، کاری کرد که آن‌ها انگیزه و انرژی مضاعفی بگیرند و به جای هفت روز، ۱۰ روز پای کار درمان باشند.



ف طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

م راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



درختان خیابان شهید نبی زاده با شکوفه هایشان، محله مارا
زیباتر از همیشه کرده‌اند.
محمد خورسندی، محله تلگرد



در روزهایی که همه درگیر تعطیلات عید و دید
و بازدید بودیم، مدافعان سلامت در بیمارستان
شهید هاشمی نژاد مثل همیشه مشغول خدمت
به هم نوعان خود بودند. خدا قوت به همه
زحمت کشان حوزه بهداشت و درمان.
فاطمه یزدی، محله طلاب



محله به روایت شما

اتفاق خوبی که در روز طبیعت برای هم محله‌ای‌ها رخ داد، توزیع
پلاستیک زیاله از طرف باغبان‌ها در بین مردم بود. خدا را شکر مردم
هم سنگ تمام گذاشتند و نشان دادند حافظ و حامی طبیعت هستند.
محمد حسین نوفرستی، محله بلال



بافت فرسوده محله ماتهدیدی است که هرچه زودتر باید مسئولان
چاره‌ای برای آن بیابند. پیشنهاد شد.
محمد یوسفی، محله تلگرد



با کارهای کوچک می‌توان دل‌های بسیاری را شاد کرد. نمایی
از مسابقه طناب‌کشی در بوستان ارم.
آرین غلامی، محله پنجتن